

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹

سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۰

مؤلفه‌های پایداری با تکیه بر مبارزه با نفس در کتاب‌های درسی*

(علمی- پژوهشی)

دکتر مهرانگیز علی نژاد محمدآبادی

استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

با توجه به آیات، احادیث و سخنان بزرگان دین اولسین و برترین جهاد و از شدیدترین واجبات الهی و باثواب‌ترین آنها نزد خداوند متعال، جهاد با نفس است و شیوه عملی زندگی انبیا، امامان و بزرگان دین نیز گویای این امر است و با توجه به شرایط جهان امروز و تغییر ساختاری جنگ‌ها که دولت‌های متجاوز و به جای حمله مسلحانه به آب و خاک دیگر کشورها سعی می‌کنند تا در افکار، اعتقادات و احساسات مردم این کشورها نفوذ کنند؛ باید به دانش آموزان آموخت که لازمه پیروزی در هر نبردی، شناخت نفس خود و ایستادگی در مقابله هواهای نفسانی است.

در پژوهش حاضر، پژوهشگر سعی دارد تا مؤلفه‌های پایداری را با تکیه بر مبارزه با نفس در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی متوسطه و پیش دانشگاهی، با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار دهد. قابل ذکر است که مبارزه با نفس در این پژوهش، یعنی انسان از حق، خواسته‌ها و لذت‌هایی که برایش مهیا است، در جهت رضای خداوند و بندگان او چشم پوشی کند. سؤال‌های پژوهشی عبارتند از: چه درصدی از محتوای کتاب‌های ادبیات فارسی آموزش متوسطه و پیش دانشگاهی به ادبیات پایداری اختصاص داده شده است؟ آیا در محتوای ادبیات پایداری کتاب‌های ادبیات فارسی آموزش متوسطه و پیش دانشگاهی به مبارزه با نفس اشاره شده است؟ آیا در محتوای مورد بررسی، ضمن بیان هدف (مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ظالم و متجاوز)، راهکار عملی برای نیل به آن ارائه شده است؟

با توجه به تحلیل کتاب‌های درسی ادبیات فارسی دوره متوسطه و پیش دانشگاهی، مشخص شد که تقریباً بین ۱۵٪ تا ۲۰٪ محتوای این کتاب‌ها، به ادبیات پایداری

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۴/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۰/۸/۱۱

اختصاص داده شده است و در این موارد اشاره اندکی به جهاد اکبر یا مبارزه با نفس شده است و در بین دروس مورد بررسی، درس نیایش (امام سجاد) بهترین نمونه عملی است که ضمن بیان هدف، راهکارهای عملی را برای تحقق آن بیان کرده است.

واژگان کلیدی

ادبیات پایداری، کتاب‌های درسی، نفس، هواهای نفسانی.

۱- مقدمه

زندگی جنگ است جانا بهر جنگ آماده شو

نیست هنگام تأمل بی درنگ آماده شو

(ملک الشعراء بهار)

کلمه جهاد در ظاهر، یاد آور میدان جنگی است که انسان‌ها با یکدیگر به طور مسلحانه نبرد می‌کنند و بخش کوچکی از زندگی افراد را در بر می‌گیرد. اما توجه دقیق به زندگی، نشانگر یک حرکت مداوم، تلاش بی وقفه و نبردی بی‌پایان است، نبرد با دشمن ظاهری و باطنی؛ پس زندگی سراسر جهاد است و بدون جهاد معنا ندارد.

جهاد یک قانون عمومی در عالم آفرینش است و همه موجودات زنده جهان، اعم از نباتات و حیوانات به وسیله آن، موانع را از سر راه خود بر می‌دارند تا بتوانند به کمال مطلوب خود برسند. ریشه درختان برای دریافت آب و غذا، شاخه‌ها برای رسیدن به نور، گلبول‌های سفید خون برای دفع میکروب‌ها و ... به تلاش برای ادامه حیات نیازمندند. (حیدری نراقی ۱۳۸۸: ۱۰۹) در این میدان نبرد، انسان موجودی است که در میان دو بی‌نهایت قرار دارد: از یک سو او می‌تواند تا بی‌نهایت سقوط کند که حتی شایسته اطلاق نام حیوان نیز نباشد، چه رسد به انسان و از سوی دیگر آن چنان می‌تواند در جهت تکامل عروج کند که ملائکه نیز اجازه پای نهادن به مقام او را نداشته باشند (ساعی ۱۳۷۴).

ای نقد اصل و فرع ندانم چه گوهری

کز آسمان تو برتر و از خاک کمتری^۱

(نراقی)

^۱ این بیت شعر از کتاب معراج السعاده در اخلاق (ملاحمد نراقی) گرفته شده است.

سؤال این است که حرکت در بین این دو بی نهایت، نتیجه چه عملی است؟ و یا کدام عمل است که انسان را به کمال می رساند و بی توجهی به آن، مرتبه انسان را از حیوان نیز پایین تر می آورد؟

طاهری (۱۳۸۴: ۱۱۰) معتقد است: از آنجا که در سفر معنوی و سیر و سلوک الی الله، نفس سالک، بستر حرکت و منازل سفرش نیز همان مراتب کمالیه (علمیه و عملیه) نفس است، قهراً مبدأ حرکت، اولین مرتبه از مراتب نفس سالک خواهد بود زیرا در سفر معنوی (بر خلاف سفرهای مادی) راه عین رونده است؛ یعنی سالک در جان خود سفر و از مرتبه نازله آن بسوی مرتبه عالیه حرکت می کند. برای رسیدن به مراحل کمال، آدمی لازم است در وهله اول، نفس خود را بشناسد و از تمام خواسته های آن صرف نظر نماید.

"مجاشع" به محضر پیامبر شرفیاب شد و این سؤالات را از آن حضرت نمود؛ پرسید: یا رسول الله! راه شناخت حق چیست؟ پیامبر جواب داد: "شناخت نفس". پرسید: راه موافقت کردن با حق چیست؟ فرمود: "به مخالفت برخاستن با نفس". پرسید: راه رسیدن به رضای حق چیست؟ فرمود: "به غضب در آوردن نفس".... (حیدری نراقی، ۱۳۸۸: ۵۰).

ابن عربی (به نقل از اعوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۱) بر این اعتقاد است که برای نیل به کمال، باید به سیر و سلوک پرداخت. برای سیر و سلوک، سالک باید در آغاز سفر خود، علم فقه را فراگیرد و به احکام شریعت عمل کند. هم چنین باید به محاسبه نفس پردازد. (سادات، ۱۳۸۴: ۱) نیز معتقد است که بدون تردید، سازندگی درونی و اصلاح و تهذیب نفس انسان، در سعادت فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی او نقش بسزایی دارد به طوری که اگر انسان تمامی علوم را تحصیل کند و کلیه نیروهای طبیعت را به تسخیر خویش درآورد اما از تسخیر درون و تسلط بر نفس خود ناتوان باشد، از رسیدن به سعادت و نیل به کمال باز خواهد ماند.

پس درمی یابیم که برای طی کردن مراحل کمال (رسیدن به خدا): شناختن نفس، اولین مرحله است.

با توجه به اهمیت نفس و شناخت انواع آن و همچنین حساسیت دوره نوجوانی و جوانی و تأثیرپذیری آنها از محتوای کتاب‌های درسی، برای پژوهشگر این سؤال مطرح است که آیا در محتوای این کتاب‌ها به این امر مهم توجه داشته شده است یا نه؟ از آنجا که مبارزه با نفس را جهاد اکبر نام نهاده اند و رابطه تنگاتنگی با جهاد اصغر دارد، آیا در محتوای متن‌های مربوط به ادبیات پایداری در کتاب‌های درسی به این مورد توجه شده است؟ آیا در محتوای مورد بررسی، ضمن بیان هدف (مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ظالم و متجاوز)، راهکار عملی برای نیل به آن ارائه شده است؟

در این راستا، پژوهشگر سعی دارد تا مؤلفه‌های پایداری را با تکیه بر مبارزه با نفس در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی متوسطه و پیش دانشگاهی، با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار دهد. قابل ذکر است که مبارزه با نفس در این پژوهش، یعنی انسان از حق، خواسته‌ها و لذت‌هایی که برایش مهیا است، در جهت رضای خداوند و بندگان او چشم پوشی می‌کند.

۱- بحث

۱-۲. نفس

نفس به معنای روح، روان، حقیقت هرشی، شخص انسان و ذات است. جوهری است که ذاتاً مستقل است و در فعل نیاز به ماده دارد و متعلق به اجساد و اجسام است (معین، ذیل واژه). جوهری است مجرد، متعلق به تعلق، تدبیر و تصرف، او جسم و جسمانی نیست و این مذهب بیشتر محققان از حکما و متکلمان است (دهخدا، ذیل واژه).

واژه نفس در قرآن مجید و به تبع آن در روایات و دعاها، در ده معنا به کار رفته است که عبارتند از: ۱) فردی از افراد انسان: كُلْ نَفْسٌ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ... (العنکبوت، ۵۷؛ ۲) خود: وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ... (البقرة، ۱۱۰؛ ۳) روح به لحاظ تمایلات و گرایش‌ها: وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْتَهَا؟ أَلَمْ يَكُنْ مِنْهَا فُجُورًا وَتَقْوِيًّا... (الشمس، ۷ و ۸) و مانند: فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ

هَنِيئًا مَرِيئًا (النساء، ۴؛ ۴) جان:.... وَ لَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَ الْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنْفُسَكُمْ... (الأنعام، ۹۳؛ ۵) دل: وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَ خِيفَةً... (الأعراف، ۲۰۵؛ ۶) قلب به معنای مرکز درک و شعور: وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلوًّا... (النمل، ۲۷؛ ۷) صدر به معنای ظرف برای قلب: ... وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ... (التوبة، ۱۱۸) و ... لا يجدوا في أنفسهم حرجًا مما قضيت... (النساء، ۶۵؛ ۸) نفس امّاره: وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ... (ق، ۱۶؛ ۶) نفس لوّامه: وَ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (القيامة، ۲؛ ۱۰) نفس مطمئنة: يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً (الفجر: ۲۷ و ۲۸). مراد از نفس در بحث جهاد با نفس؛ یکی از معانی دوم، سوم، پنجم و به ویژه هشتم از میان معناهای بالاست. (مصباح يزدي، ۱۳۷۹)

نفس، بالقوه منشاء خوبی و بدی توأم است و بالفعل، می تواند یکی از آن دو باشد. خداوند در سوره شمس می فرماید: قسم به نفس، به آنکه او را متکامل آفرید و در او بدی و پرهیزکاری الهام می گیرد. (شمس، ۸-۷) از دیدگاه قرآن کریم، انسان موجودی است دو بعدی؛ یعنی، فطرت انسانی هم دارای بعد مثبت و هم دارای بعد منفی است. انسان هم نفس لوّامه و سرزنش گر دارد که او را به سوی خیرها و فضیلت‌ها هدایت می کند و هم نفس امّاره دارد که او را به سوی رذایل و زشتی ها سوق می دهد. نفس انسانی هم دارای نیروی صلاح است و هم دارای نیروی فساد. (نصری ۱۳۷۶: ۳۸۹)

خداوند ملائکه را از نیروی عقل محض، حیوانات را از غرایز و شهوات محض و انسان را ترکیبی از هر دو آفرید. آن کس که نیروی اندیشه و فکرش بر شهوتش غلبه کند، از ملائکه برتر و آن که نیروی شهوت و غریزه اش بر قوه عقل غالب شود، از حیوانات پست تر است. (حیدری نراقی ۱۳۸۸)

اژه ای (۱۳۸۵) به نقل از علامه جعفری (۱۳۴۹)، شریف (۱۳۶۲)، طباطبایی (۱۳۷۱)، مکارم شیرازی (۱۳۷۰)، طبرسی (۱۳۸۰)، حسن زاده آملی (۱۳۷۲) و دهخدا (ذیل واژه) اظهار می دارد که نفس آدمی، جلوه های گوناگون دارد و دارای سه مرتبه است: ۱- نفس امّاره: که مشترک بین انسان و حیوان است. نفسی

که میل به طبیعت بدنی دارد و به لذت و شهوات جنسی امر دهد. اماره به معنی بسیار و سخت حکم کننده است و روح انسان را به اعتبار غلبه حیوانیت، نفس اماره گویند. ۲- نفس لوّامه: «نفس وجدانی» و «آگاهی اخلاقی» که بین خیر و شر نوسان دارد. نفس لوّامه احتیاج به روح ملکوتی ندارد. ۳- نفس مطمئنه: نفسی که یکپارچه در اراده الهی محو و مستغرق است و در صلح و صفا به سر می برد. این مرحله، عالی ترین رشد شخصیت انسان است و از دیدگاه قرآن، رسیدن به مرحله اطمینان است.

بسیج (۱۳۸۶، ۳۰) اظهار می دارد: در علم النفس، نفس انسان را دارای سه قوه متباین می دانند. که به اعتبار آن قوا، نفس با مشارکت اراده، مصدر و منشأ افعال و آثار گوناگون می شود. اگر یکی از این قوا بر بقیه غالب شود، آن دو قوه دیگر، مغلوب یا مفقود می شوند.

اول: «قوه ناطقه» که آن را نفس ملکی گویند و مبدأ فکر، تشخیص و علاقه نظر در حقایق امور است. دوم «قوه غضبی» که آن را «نفس سبعی» گویند و مبداء غضب، دلیری و اقدام به کارهای پر خطر، و شوق تسلط و استیلاست. سوم «قوه شهوانی» که آن را «نفس بهیمی» نامند و مبداء شهوت و طلب غذا و شوق لذت بردن از خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و زناشویی است.

محمودی (۱۳۸۹، ۲۴۱) مراتب نفس را از زبان خواجه نصیرالدین طوسی بیان می کند. خواجه معتقد است که هنگامی که سالک بخواهد، تهذیب نفس کند و رذایل نفسانی را از خود بزاید، اگر رذایل نفوس در او ثابت باشد، نفس اماره سه حالت پیدا می کند: الف- نفس بهیمی، ب- نفس سبعی، ج- نفس شیطانی.

نفس بهیمی موقعی است که نفس، متابعت قوه شهوی کند. نفس سبعی هنگامی است که نفس، متابعت قوه غضبی کند. نفس شیطانی وقتی است که نفس، رذایل اخلاقی را ملکه کند. حال اگر این رذایل در او ثابت نباشد و گاهی به خیر و گاهی به شر میل کند، دو نوع نفس پدیدار خواهد شد: الف- نفس لوّامه، ب- نفس مطمئنه. نفس لوّامه موقعی است که از میل به شرپشیمان گردد

و خویشتن را از آن ملامت کند. نفس مطمئنه موقعی است که نفس منقاد عقل باشد و به سعادت مایل باشد و طلب خیر او را ملکه شده باشد.

با توجه به مراتب چندگانه نفس، سؤالی که مطرح می شود این است که مبارزه با کدام نوع از نفس ضرورت دارد و اجتناب ناپذیر است. با توجه به عملکرد هر نفس، مشخص می گردد که مبارزه با نفس اماره مورد تأکید است و روش های متعددی برای مبارزه با این نفس بیان شده است؛ از جمله مراحل هشتگانه مبارزه با نفس امام خمینی (۱۳۶۸) که عبارتند از: یقظه، تفکر و تدبیر، عزم، مشارطه، مراقبه، محاسبه، تذکر و معاتبه.

عده ای نویسندگان محورهای اصلی مبارزه با نفس را در سه امر خلاصه کرده اند: ۱- ایمان به مبدأ و معاد ۲- ایجاد تعادل در امیال ۳- مبارزه مستقیم با مظاهر خودخواهی و نفسانی. همچنین عده ای از بزرگان علم اخلاق، سه راه پیشگیری، ترک دفعی و ترک تدریجی را ارائه نموده اند. (محمدی ۱۳۸۵، ۶۹)

۲-۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر، برای بررسی محتوای کتاب های درسی ادبیات فارسی دوره متوسطه و پیش دانشگاهی، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. روش تحلیل محتوا برای بررسی محتوای آشکار پیام های موجود در یک متن، مورد استفاده قرار می گیرد. در این روش، محتوای آشکار و پیام ها، به طور نظامدار و کمی توصیف می شود. مهم ترین کاربرد تحلیل محتوا، توصیف ویژگی های یک پیام است. دومین کاربرد این روش، استنباط درباره فرستندگان پیام و دلایل یا پیش آیندهای پیام است. تحلیل محتوا برای استنباط جنبه های فرهنگی پیام و تغییرات فرهنگی نیز بکار می رود. (سرمد و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۳۲)

دلاور (۱۳۸۹) اظهار می دارد: تحلیل محتوا به هر روش استنباطی اطلاق می گردد که به صورت منظم و عینی، به منظور تعیین ویژگی های پیام ها به کار برده می شود. در این روش، پیام ها یا اطلاعات به صورت منظم کدگذاری و به نحوی طبقه بندی می شوند که پژوهشگر بتواند آنها را به صورت کمی، تجزیه و تحلیل کند. این روش برای هر شکلی از ارتباطات انسانی، از اشارات تا

کتاب‌های درسی و از تخته اعلانات تا پیام‌های تجاری تلویزیون، به کار برده می‌شود. همچنین یابانگرد (۱۳۸۷) به نقل از کرلینجر (۱۹۸۶)، تحلیل محتوا را روش مطالعه و تجزیه و تحلیل ارتباط به شکلی نظام مند، عینی و کمی به منظور سنجش متغیرها می‌داند.

جامعه آماری این پژوهش، محتوای کتاب‌های درسی ادبیات فارسی دوره متوسطه (پایه اول، دوم و سوم متوسطه) و پیش‌دانشگاهی (کتاب فارسی ۱ و ۲ پیش‌دانشگاهی) است. قابل ذکر است که در کتاب‌های فارسی متوسطه، فقط فصل‌های ادبیات حماسی و ادبیات پایداری و در کتاب‌های فارسی ۱ و ۲ پیش‌دانشگاهی، تمام دروس کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در الگوی نظام آموزش و پرورش ایران، اغلب فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، در چهارچوب کتاب درسی صورت می‌گیرد. کتاب درسی از کارآمدترین ابزارهایی است که می‌تواند نقش مهمی در انتقال و توسعه فرهنگ پایداری هشت سال دفاع مقدس داشته باشد. هم‌چنین کتاب درسی می‌تواند عامل انتقال و توسعه میراث دفاع مقدس و زمینه ساز تحقق رفتارهای عملی متناسب با ارزش‌های آن در کسانی باشد که انتظار می‌رود در آینده ادامه دهنده این ارزش‌ها باشند (سحابی نژاد و هرنیدی، ۱۳۸۶: ۴۰). هم‌چنین کتاب درسی از مهم‌ترین و در دسترس‌ترین رسانه‌های آموزشی است که نقش ارزشمندی در تعلیم و تربیت ایفا می‌کند. از جمله مزایای کتاب‌های درسی، اقتصادی بودن و سهولت استفاده از آنهاست. در نظام آموزشی، تهیه و تدوین کتاب‌های درسی مناسب، در دستیابی به نتایج آموزشی موفقیت آمیز، سهم بارزی دارد و به رغم تنوع و تکثیر وسایل جدید آموزشی و اطلاع رسانی. از مهم‌ترین ابزار آموزشی در همه سطوح به شمار می‌رود و در تحقق اهداف آموزشی و اطلاع رسانی نقش اساسی دارد. (رضی، ۱۳۸۸)

۲-۳. سؤال‌های پژوهش

۱- چه درصدی از محتوای کتاب‌های ادبیات فارسی آموزش متوسطه و پیش‌دانشگاهی، به ادبیات پایداری اختصاص داده شده است؟

۲- آیا در محتوای متن‌های مربوط به ادبیات پایداری کتاب‌های ادبیات فارسی آموزش متوسطه و پیش دانشگاهی، به مبارزه با نفس اشاره شده است؟

۳- آیا در محتوای مورد بررسی، ضمن بیان هدف (مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ظالم و متجاوز)، راهکار عملی برای نیل به آن ارائه شده است؟

قابل ذکر است که مبارزه با نفس در این پژوهش، یعنی انسان از حق، خواسته‌ها و لذت‌هایی که برایش مهیا است؛ در جهت رضای خداوند و بندگان او، چشم پوشی کند. واژه‌ها و عباراتی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: توحید، توکل به خدا، انجام واجبات و مستحبات و دوری از مکروهات، استغفار، حق جوئی، خودشناسی، عزت نفس، تفکر و تدبیر، انتخاب دوستان صالح، خدمت به بندگان خدا، خوش رفتاری با مردم، رعایت حقوق و حفظ حریم دیگران، عفو و گذشت، وفای به عهد، شجاعت، آزادگی، عفت، عدالت، سخاوت، آزادمردی، عطف، تواضع، محبت، مودت، و دوری از غارت، کینه، غیبت، دروغ، تهمت، غرور، حسادت، بدخلقی، جهل و شهوترانی.....

۴-۲. یافته‌های پژوهش

کتاب ادبیات فارسی سال اول، شامل نه فصل یا بیست و چهار درس است. از این نه فصل، فصل اول ادبیات حماسی و فصل سوم ادبیات پایداری است. فصل ادبیات حماسی، شامل سه درس و فصل ادبیات پایداری، شامل دو درس است. تقریباً ۲۰٪ دروس این کتاب به ادبیات حماسی و پایداری اختصاص داده شده است.

در فصل ادبیات حماسی، درس اول و دوم، داستان «رزم رستم و سهراب» است که در این دروس، فقط در بیتی که سهراب به رستم می‌گوید:

بدو گفت ار ایدون که رستم تویی بکشتی مرا خیره از بدخویی

به اطاعت از هوای نفس توسط رستم اشاره شده است. (ص ۱۶)

در درس سوم، میرعلمدار، که رزم حضرت ابوالفضل را به تصویر کشیده است. نویسنده اشاره واضحی به مبارزه با نفس نکرده است. در صورتی که می‌توان گفت واقعه عاشورا زیباترین رویداد جهان است که نشانگر تسلیم در برابر خدا و

مبارزه با هوای نفس است و در هر لحظه آن با یکی از هواهای نفسانی مبارزه شده است تا درسی باشد برای آیندگان که هیچ عذر و بهانه ای برای امتناع از جنگ در راه خدا موجه نیست. (ص ۲۵)

در اولین درس از فصل ادبیات پایداری، «گل‌هایی که در نسیم آزادی می‌شکند، نویسنده سعی کرده است تا جلوه‌هایی از نهضت مقدس ملت ایران را در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویر بکشد. در این نوشته، به صحنه‌هایی اشاره شده که بیانگر مبارزه با هوای نفس است:

آماده شدن برای شهادت: "صبح روی شکم با مازیک نام و نام فامیل و شماره تلفنم را نوشتم"، "ماز شهادت خواندم"، "اهدای خون و مایحتاج زندگی"، "دختری را می‌شناسم که پسر جوانی هل داده بودش به طرف جوی آب تا در تیررس نباشد و خودش تیر خورده بود"، "جوان‌های بسیاری سرشان را از بیخ تراشیده‌اند تا سربازانی که به مردم پناهنده شده بودند، لو نروند".

دومین درس از ادبیات پایداری، «دریادلان صف شکن، نمونه ای از متن یکی از فیلم نامه های روایت فتح است. در این درس، ضمن توصیف جبهه و صحنه آماده شدن رزمندگان برای مبارزه با دشمن ظاهری به جلوه هایی از مبارزه با هوای نفس نیز اشاره شده است:

"بعضی از بچه‌ها، گوشه خلوتی یافته‌اند و گذشته خویش را با وسواس یک قاضی می‌کاوند و سرا پای زندگی خویش را محاسبه می‌کنند و وصیت نامه می‌نویسند.

"...همان بچه‌های صمیمی و بی تکلف و متواضع و ساده ای هستند که همیشه در مسجد و نماز جمعه و محل کارت

"...دریادلان صف شکنی هستند که دل شیطان را از رعب و وحشت می‌لرزاند و در برابر قوه الهی آنان، هیچ قدرتی یارای ایستایی ندارد."

"صف طویل رزمندگان تازه نفس، با آرامش و اطمینانی که حاصل ایمان است"

"گاه گاه گروهی از خط شکن‌ها را می‌بینی که فاتحانه اما با همان تواضع و سادگی همیشگی، بی غرور بعد از شبی پر حادثه باز می‌گردند."

"طلبه جوانی با یک باند گوی دستی، همچون وجدان جمع، فضای نفوس را با یاد خدا معطر می‌کند."

"دشمن حیرت زده است که چگونه ممکن است کسی از مرگ نهراسد. کجا از مرگ می‌هراسد آن کس که به جاودانگی روحی خویش در جوار رحمت حق آگاه است؟"

"دشمن برده ماشین است و تو، ماشین را در خدمت ایمان کشیده ای"
"خاک، مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است. معنای آن که در نماز پیشانی بر خاک می‌گذاری، همین است و تا با خاک انس‌گیری، راهی به مراتب قرب نداری." (ص ۶۹)

کتاب ادبیات فارسی سال دوم متوسطه نیز شامل نه فصل یا بیست و چهار درس است.

فصل اول، انواع ادبی، شامل سه درس است: ادبیات حماسی: رستم و اشکبوس، حماسه مصنوع: حمله حیدری و ادبیات نمایشی: «بچه‌های آسمان» و فصل سوم، ادبیات پایداری، شامل دو درس است: درس هشتم: "کلبه عموتم" و "تورا میخوانم" و درس نهم: «در بیابان‌های تبعید» و «از یک انسان». تقریباً ۲۰٪ دروس این کتاب به ادبیات حماسی و پایداری اختصاص داده شده است.

در درس «رستم و اشکبوس» که حماسه نبرد اشکبوس با رهام و رستم به نظم درآمده است، اشاره زیادی به مبارزه با هوای نفس نشده است به جز در بیت زیر:
تهمت بر آشفته و با توس گفت که رهام را جام باده ست جفت
زمانی که رهام میدان نبرد را ترک و فرار می‌کند، رستم خشمگین می‌شود و می‌گوید که او مرد خوشگذرانی است و مرد جنگ نیست. (ص ۷)

در درس «حمله حیدری»، شاعر صحنه نبرد حضرت علی (ع) با عمرو بن عبدود را به نظم در آورده است و القابی برای هر دو بیان کرده است؛ از جمله برای حضرت علی (ع) از القاب شیر خدا، کوه، غضنفر، وصی نبی، شاه دین، نهنگ، دریای بی منتهای خداوند و خیر گشا استفاده کرده است.

در این شعر با توجه به اینکه حضرت علی(ع)، نمونه انسان کاملی است که در سراسر زندگی با هواهای نفسانی خود مبارزه کرده است، اشاره اندکی به این موضوع شده است اما شاعر در بیت زیر، خیلی زیبا نتیجه این مبارزات را به تصویر می‌کشد:

به نام خدای جهان آفرین بینداخت شمشیر را شاه دین
این بیت ارتباط معنایی با شعر زیر دارد:
گفت من تیغ از پی حق می زخم بنده حقم نه مأمور تنم
شیر حقم نیستم شیر هوا فعل من بر دین من باشد گواه
(ص ۱۲)

درس «کلبه عمو تم»، بیانگر دنیای محنت آلود بردگان سیاه است. قهرمان اصلی این داستان، «عمو تم»، برده‌ای نجیب، با ایمان، متواضع و درستکار و در عین حال، با اراده و گریزان از خیانت و دورویی است و همه این صفات، نشانه انسانی است که بر هوای نفس خود غلبه کرده است.

نویسنده در این داستان علاوه بر ذکر صفات بالا، اشارات زیادی به مبارزه با هوای نفس کرده است.

"... کتاب انجیلش را برداشت و در جیب این لباس‌ها گذاشت ... معلوم است که مرد مقدسی هستی!" روح تم نسبت به تیره روزانی که در کنار او زندگی می‌کردند سرشار از رحم و عطوفت بود. ".... دلش می‌خواست از این گنجینه صلح و آرامشی که خداوند به او بخشیده بر آنها که در کنارش رنج می‌بردند، سرمایه‌هایی نثار کند. همواره برای دلجویی کردن از ضعفا و نومیدان و تسلا بخشیدن به آنها وسیله ای می‌یافت. ".... این مرد عجیب، خاموش و صبور، داوطلبانه بار همه را حمل می‌کرد. " بدون این که هرگز از کسی کمک بخواهد، همیشه همه جا آخر می‌آمد، کمتر سهم می‌گرفت و همان را با دیگران تقسیم می‌کرد ... در مزرعه، سبد کارگران ضعیف و رنجور را پر می‌کرد و برای این کار خود را به خطر می‌انداخت. "

عموتم، پست و مقام و کار ساده تر را به دلیل اینکه باید به یک پیرزن ظلم کند نمی پذیرد و حتی برای این کار شکنجه می شود. او در هر حال خداوند را فراموش نمی کند. (ص ۶۵)

کتاب ادبیات فارسی سوم متوسطه، شامل ده فصل یا بیست و سه درس است. فصل اول این کتاب، انواع ادبی، شامل دو درس: «رزم رستم و اسفندیار» و «کمال الملک» و فصل ادبیات پایداری شامل دو درس: درس هشتم: «خون خورشید» «بانگ جرس» و درس نهم: «تپه برهانی»، «باغ نگاه» و «روز وداع یاران» است. تقریباً ۱۸٪ دروس این کتاب به ادبیات حماسی و پایداری اختصاص داده شده است.

در درس «رزم رستم و اسفندیار»، فردوسی ضمن بیان صحنه کارزار و آماده شدن دو جنگجو برای مبارزه، در انتهای شعر به غلبه رستم بر هوای نفس خود اشاره می کند. رستم به توصیه سیمرغ، با اسفندیار از در مسالمت و ملایمت درمی آید اما اسفندیار، مغرور به جنگاوری خود است و نمی پذیرد. رستم در پاسخش می گوید:

| | |
|-------------------------------------------------------------------------|----------------------------|
| بترس از جهاندار یزدان پاک | خرد را مکن با دل اندر مفاک |
| من امروز نر بهر جنگ آمدم | پی پوشش و نام و ننگ آمدم |
| تو با من به بیداد کوشی همی | دو چشم خرد را پوشی همی |
| و هنگامی که پند رستم کار گر نمی افتد، ناگزیر تیر را در کمان می گذارد و: | |
| همی راند تیر گز اندر کمان | سر خویش کرده سوی آسمان |
| همی گفت که ای پاک دادار هور | فزاینده دانش و فرّ و زور |
| همی بینی این پاک جان مرا | توان مرا هم روان مرا |
| که چندین پیچم که اسفندیار | مگر سر بیچاند از کارزار |
| تو دانی که بیداد کوشد همی | همی جنگ و مردی فروشد همی |
| به باد افره این گناهم مگیر | تویی آفریننده ماه و تیر |

در درس «کمال الملک»، علی حاتمی در فیلم نامه کمال الملک، آزادگی و بی پروایی او را در مقابل استبداد رضاخان و تملق درباریان به خوبی به تصویر کشیده است.

جلوه هایی از مبارزه با هوای نفس در این درس عبارتند از: امتناع از بوسیدن دست رضا خان، بی پروایی در سخن گفتن: "مجنون برای دنیا بی ضرتر است تا جانی"، امتناع از کشیدن تصویر رضاخان، بی اعتنایی به تهدیدهای او، ترک تالار بدون اجازه و عصبانی کردن رضاخان، تسلیم نشدن در برابر خواسته های رضا خان حتی بعد از تعطیل شدن مدرسه و تبعیدش و توجه به مردم و احترام به افکار و اندیشه های آنها و دوری از خود بزرگ بینی: "امروز معلم، آشنای مردم، مردمی که برای نقاش باشی خودشان حکایت‌ها ساخته اند؛ افسانه هایی به حق زیباتر از پرده های من...." (ص ۱۴)

درس «خون و خورشید»، حماسه عاشورا را روایت می کند. در این درس، نویسنده خصوصیات مردانی را که لیاقت پیدا کرده بودند تا در رکاب حسین بن علی بجنگند و شهید شوند، به طرز زیبایی بیان کرده است؛ به ویژه انس بن حارث که با رشادت شهید می شود. در این درس ضمن بیان هدف (کشته شدن در راه خدا) راه هم نشان داده شده است.

"در درون دیدگان نشان صفا و درستی، محبت و برادری و عشق و دوستی موج می زد از کینه و حسد و غرور و خود خواهی نشانی نداشتند."

"پیرمردان با علاقه ای تحسین آمیز، گوش به حرف جوانان می دادند و جوانان، صمیمانه به پیران عشق می ورزیدند."

"کلمات آسمانی قرآن با صدای گرم خواننده، همه جا طنین می افکند."

".... مردی که بیست و سه سال رنج برد، درد کشید و تلاش کرد و کوشید تا نفاق و دورویی، کینه و خود پرستی و جنایت و آدم کشی را از میان بردارد و به جای همه آنها، نهال یکتا پرستی و حقیقت جویی و صفا و وفا نشانند."

".... رشته ای که ایمان و اعتقادش می نامند و هرگز با هیچ قدرتی گسسته نمی گردد."

"انس مردی بود که در اولین و آخرین پیکار پیامبر، دوش به دوش رسول گرامی مبارزه کرده بود. بدون اندکی بیم و هراس به پیش آمده بود در جا همه می بایست ندای حق سر دهند و با ستمگری و بی ایمانی مبارزه کنند." (ص ۶۲)

کتاب زبان و ادبیات فارسی (عمومی) ۱ و ۲ دوره پیش دانشگاهی، از نه فصل تشکیل شده که در این فصول، ۳۰ درس گنجانده شده است. از نه فصل، فصل دوم که شامل سه درس «درآمدی بر ادبیات حماسی»، «کاوۀ دادخواه» و «گذر سیاوش از آتش» است به طور مشخص مربوط به ادبیات پایداری است اما در دروس دیگر نیز گاهی به مقاومت و پایداری اشاراتی شده است. در این کتاب هم می توان گفت تقریباً ۱۵٪ دروس مربوط به ادبیات پایداری است.

درس اول: «نی نامه: مولانا، سرگذشت سیر و سفر روح مهجوری است در عالم و آفاقی که او را از اصل خویش به دور افکنده است و آرزوی بازگشت بدان اصل را دارد. داستان سرگشتگی های حیات است که دایم در عوالم گونه گونه گون سیر می کند؛ از جمادی به نباتی می رود و از نباتی به حیوانی در می آید و در همه این منزلها، همواره و در هر قدم، خود را از اصل خویش دور و دورتر می بیند و درمی یابد که تا از وجود خویش بیرون نیاید، به وجود او نمی پیوندد. باید از وجود خویش تهی شود تا به اصل خویش بازگردد و از لب او جز دم نوای آن اصل (آن وجود نامحدود بی پایان)، چیزی بر نیاید (حاج علیزاده، ۱۳۸۸: ۶۴). هدف این درس، توجه به حق است و راه رسیدن به آن را بیرون آمدن از وجود و پیوستن به وجود او، یعنی طی کردن سیر مراحل تکامل می داند.

در درس دوم، نیایش، بخشی از نیایش های امام سجّاد (ع) را آمده است. در این درس با نظم و زیبایی خاصی، رسیدن به کمال الهی در طی مراحل به تصویر کشیده شده است. و علاوه بر مشخص کردن هدف، به راهکارهای عملی تحقق هدف نیز توجه شده است.

امام سجّاد نخست از خداوند می خواهند که به ایشان کمک کند تا صفاتی چون حسادت، خشم، طمع، بد خلقی، شهوت رانی، جهل، تجاوز، غفلت، گناهکاری، غرور و خود بینی بر ایشان غالب نشوند و سپس از خدا می خواهند

که ایشان را یاری رساند تا به زیر دستان کمک کنند و در نهایت، از خدا می‌خواهند که به ایشان کمک کند که نه ظالمان را بستانند و نه در برابر ظلم آنها نسبت به مظلومان سکوت کنند. در این مناجات، امام سجّاد (ع) جهاد اکبر را مقدم بر جهاد اصغر دانسته‌اند و از خداوند می‌خواهند که اول به ایشان این توفیق را بدهد که با نفس خود مبارزه کنند و پیروز شوند و سپس، توانایی مبارزه با دشمن بیرونی، یعنی ظالمان زمان را به ایشان بدهد. (ص ۹)

هدف فصل دوم ادبیات حماسی، آشنا شدن دانش آموزان با ادبیات حماسی است و اینکه بدانند حماسه چیست و شرایط تاریخی و اجتماعی آن کدام است؛ در این صورت، به خوبی می‌توانند از علل ضعف و انحطاط یا شکفتگی و اوج‌گیری آن در ادوار مختلف سخن بگویند.

هدف درس «کاوۀ داده خواه»، درس پایداری در برابر ظلم است و ستایش داد‌پیشگی و تاکید بر داد‌گری. نشانه‌های توجه به مبارزه با نفس یا پیروی از آن، در این درس عبارتند از:

جمشید فرمانروای کشور به دلیل خود بینی و ناسپاسی به یزدان، از حکومت عزل شد.

چه گفت آن سخن گوی بافر و هوش چو خسرو شدی، بندگی را بکوش
به یزدان هر آن کس که شد ناسپاس به دلش اندر آید زهر سوهراس
به جمشید بر تیره گون گشت روز همی کاست زو فر گیتی فر روز

ضحاک مظهر خوی شیطانی، زشتی و بدی و فریب خورده ابلیس، برپا کننده ظلم و ستم، تجاوز و تعدی علنی است. کاوه در این درس، یکی از مردم فرودست و پاکدلی است که سر و کارش با آهن و رنج و زحمت است اما پایان بخش شب تیره ستم و نوید بخش بامداد پیروزی و بهروزی و مظهر پایداری می‌شود. علت پیروزی او در برابر ظلم، دلیری، شجاعت و همت بلند اوست که در جهت کمک به مردم رنج دیده به کار می‌گیرد و اینها باعث رضای خداوند و پشتیبانی مردم دردمند، رنج کشیده و بی‌پناه از کاوه می‌شود. (ص ۱۹)

در درس «گذر سیاوش از آتش»، فردوسی سیر تکامل را به خوبی نشان می‌دهد. اگر چه سیاوش، فرزند کاووس شاه خیره‌سر کیانی است، رستم او را به زابل برده و رسم پهلوانی و فرهیختگی آموخته است و به این دلیل است که سیاوش به قهرمانی فاتح تبدیل می‌شود. زمانی که سودابه به او دل می‌بندد، او که آزر و حیا و پاک‌دامنی و عفاف آموخته است، تن به گناه نمی‌سپارد و حتی برای اثبات بی‌گناهی خود از میان آتش می‌گذرد؛ آتشی که بی‌گناه را نمی‌سوزاند. (ص ۲۹)

«درس سپیده‌آشنا» که نویسنده، در آن شب بعد از روز عاشورا را به تصویر کشیده است، نشانه‌هایی از پیروی و مبارزه با هوای نفس بیان می‌شود. این درس، ویژگی یاران امام حسین (ع) را که به فیض شهادت رسیدند، چنین بیان می‌کند: مردان عالم، پارسا، فروتن، قهرمان، آزاده، شب‌زنده‌دار و مسلمانان کامل، آگاه به اسرار مرگ و اعماق هستی و فرجام کار.

..... پس از امضای طومار عشق و فداکاری، میان خیمه‌ها در تجمُّد و نیایش فرو رفتند و در برابر آفریدگار هستی و عظمت آفرینش، برای آخرین بار چهره به خاک ساییدند.

این درس، ویژگی قاتلان امام حسین را چنین بیان می‌کند: جنایتکارانی که روز، همه‌گونه جنایتی را مرتکب شدند، ارزش انسان را نادیده گرفته، حقوق مردم را نیست و نابود کردند و می‌خواهند وجدان ناراحت و چند شناک خود را با موسیقی و باده‌گساری بر طرف کنند. (ص ۵۶)

در درس «کیش مهر»، استاد علامه طباطبایی به طور واضح به مبارزه با نفس اشاره کرده‌اند:

به شادی و آسایش و خواب و خوی ندارند کاری دل‌افکارها
کشیدند در کوی دل‌دادگان میان دل و کام دیوارها

و معتقداند که جهان چیز با ارزشی به جز دل بستن و عشق ورزی به پروردگار ندارد و جوانمردان و آزادگان، هرگز به دنیا و دلبستگی‌های آن توجه نمی‌کنند و جان خود را فدا می‌کنند و در خون خود می‌غلتنند.

ولسی رادمردان و وارستگان نبازند هرگز به مردارها

به خون خود آغشته و رفته اند چه گل‌های رنگین به جو بارها
ای انسان آگاه باش و فریب این جهان را نخور زیرا در کنار این جهان
دلفریب و لذات و خوشی‌های آن، مشکلات و رنج‌ها نیز وجود دارد.
فریب جهان مخور زینهار که در پای این گل بود خارها

(ص ۶۳)

در درس «ذکر حسین بن منصور»، شرح حال منصور حلاج را از زبان عطار می‌خوانیم. منصور حلاج که به دلیل پایداری بر راه حق و عقیده خود، بر سر دار می‌شود ویژگی‌ها و فضایی داشته است که نشان دهنده پیروزی او بر هوای نفس است. این فضایل عبارتند از: قتل الله فی سبیل الله، حقیقت جو، شجاع صفا، عاشق صادق و پاک‌باز و دارای جد و جهدی عظیم، صدیق، برخوردار از ریاضتی و کرامتی عجیب، عالی همت و عظیم قدر، عابد، پایدار در عقیده (انا الحق) تا شهادت. (ص ۷۵)

نتیجه

با توجه به تحلیل کتاب‌های درسی ادبیات فارسی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی، مشخص شد که تقریباً بین ۱۵٪ تا ۲۰٪ محتوای این کتاب‌ها به ادبیات پایداری اختصاص داده شده است و در این موارد اشارات اندکی به جهاد اکبر یا مبارزه با نفس شده است که این موارد در بخش یافته‌های پژوهش حاضر بیان شده است.

برای شناخت نفس، می‌توان کتاب‌های درسی را مهم‌ترین ابزار دانست زیرا نهاد تعلیم و تربیت، بعد از خانواده بیشترین نقش را در تربیت کودکان دارد و از آنجا که دانش آموزان امروز، پدران و مادران فردا هستند، پس این کتاب‌ها به طور مستقیم و غیر مستقیم در تربیت کودکان فردا نقش اصلی را دارند.

عاملی که باید در تدوین کتاب‌های درسی به آن توجه شود، این است که محتوای این کتاب‌ها باید ضمن بیان هدف یک عمل، راه تحقق بخشیدن به آن هدف را نیز بیان کند. به عنوان مثال در متون ادبیات پایداری، هدف (مقاومت و

ایستادگی در برابر ظلم و ظالم و متجاوز) به وضوح در قالب داستان یا شعر بیان شده است اما اینکه فرد پیروز نبرد، چه مراحل را طی کرده یا کدام ویژگی او، باعث پیروزی شده در درس بیان نشده یا به طور مختصر به آن اشاره شده است؛ به عبارت دیگر، دانش آموز در می‌یابد که نباید در مقابل ظلم تسلیم شود اما او نمی‌داند با توجه به ویژگی وجودیش (دو بعدی بودن وجود انسان و اینکه ترکیبی است از نیروی عقل محض و غرایز و شهوات محض) و سختی کار مبارزه، چگونه می‌تواند به این مرحله انسانی برسد.

در بین دروس مورد بررسی، می‌توان گفت که درس نیایش، بهترین نمونه عملی است که ضمن بیان هدف، راهکارهای عملی تحقق آن هدف را نیز بیان کرده است:

امام سجّاد در این بخش از نیایش، نخست از خداوند می‌خواهند که ایشان را کمک کند تا صفاتی چون حسادت، خشم، طمع، بد خلقی، شهوت رانی، جهل، تجاوز، غفلت، بی‌اعتنایی به حق، گناهکاری، غرور و خود بینی بر ایشان غالب نشوند و سپس از خدا می‌خواهد که به ایشان یاری رساند تا به زیردستان کمک کنند و در نهایت از خدا می‌خواهد که به ایشان کمک کند نه که ظالمان را بستایند و نه در برابر ظلم آنها نسبت به مظلومان سکوت کنند. در این مناجات، امام سجّاد (ع) جهاد اکبر را مقدم بر جهاد اصغر دانسته‌اند و از خداوند می‌خواهند که اول به ایشان این توفیق را بدهد که با نفس خود مبارزه کنند و پیروز شوند و سپس، توانایی مبارزه با دشمن بیرونی یعنی ظالمان زمان را به ایشان بدهد.

با توجه به آیات، احادیث و سخنان بزرگان دین که اولین و برترین جهاد و از مهم‌ترین واجبات الهی در نزد خداوند متعال را جهاد با نفس دانسته‌اند و شیوه عملی زندگی انبیا، امامان و بزرگان دین نیز گویای این امر است و با توجه به شرایط جهان امروز و تغییر ساختاری جنگ‌ها که دولت‌های متجاوز به جای حمله مسلحانه به آب و خاک کشورهای دیگر، سعی می‌کنند تا در افکار و اعتقادات و احساسات مردم دیگر کشورها نفوذ کنند، باید به دانش آموزان آموخت که لازمه پیروزی در هر نبردی، شناخت نفس خود و ایستادگی در مقابل هواهای نفسانی

است. امام خمینی (ره) که از جوانی جهاد اکبر را آغاز کردند و پس از پیروزی در آن به جهاد اصغر پرداختند و در این میدان به پیروزی رسیدند معتقداند: جز تهذیب روح که نتیجه و ثمره جهاد اکبر است، چیزی نخواهد توانست جلو تهاجم فرهنگی را بگیرد و تنها راه مبارزه با آن، آشنایی با نفس و آفات و رذایل آن از یک سو و تحصیل فضایل و کمالات اخلاقی از سوی دیگر است.

در پایان پیشنهاد می‌شود که در تدوین متون ادبیات پایداری، به ویژه کتاب‌های درسی که مخاطبان آن کودکان، نوجوان یا جوانانی هستند که رزمندگان دوران دفاع مقدس را فقط از طریق این متون می‌شناسند، سعی شود که بیشتر به ویژگی‌های شخصیتی و فضایل اخلاقی آنها توجه شود و یک الگوی عملی برای دانش آموزان ارائه شود. تا دانش آموز، ضمن آشنا شدن با هدف مقاومت در برابر ظلم، با راهکارهای عملی آن نیز آشنا شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی، احمد، ۱۳۸۸، ادبیات فارسی ۳، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۱. اژه ای، جواد، ۱۳۸۵، انسان قرآن از دیدگاه فردی و اجتماعی، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۳ و ۴، سال ۳۶، صص ۲۳-۱.
۲. اعوانی، غلامرضا و دادبه، اصغر و بادنج، حسن، ۱۳۸۹، انسان کامل به روایت ابن عربی، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، پیاپی ۳۴، صص ۱۳۵-۱۶۰.
۳. بسیج، احمدرضا، ۱۳۸۶، مراتب و مراحل جهاد اکبر، فصلنامه معارف اسلامی شهرکرد، دوره دوازدهم، شماره ۴، صص ۳۶-۲۸.
۴. بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۸۷، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، چاپ سوم، تهران: دوران.
۵. پارسا نسب، محمد و ذوالفقاری، حسن و سنگری، محمد رضا، ۱۳۸۹، زبان و ادبیات فارسی ۱ و ۲ دوره پیش دانشگاهی، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۶. حاج علیزاده، افسانه، ۱۳۸۸، حجاب‌های نفس از دیدگاه مولانا در مثنوی معنوی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۷. حیدری نراقی، ۱۳۸۸، **منتخب رساله حقوق امام سجاد (ع)**، انتشارات مهدی نراقی.
۸. خمینی، روح الله، ۱۳۶۸، **چهل حدیث**، تهران: نشر فرهنگی رجاء.
۹. داودی، حسین و همکاران، ۱۳۸۷، **ادبیات فارسی ۲**، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۱۰. دلاور، علی، ۱۳۸۹، **مبانی نظری و عملی پژوهشی در علوم انسانی و اجتماعی**، تهران: رشد.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۵، **لغت نامه**، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران: دانشگاه تهران و لغت نامه.
۱۲. رضی، احمد، ۱۳۸۸، **شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی**، سخن سمت، شماره ۲۱، سال ۴ صص ۳۰-۲۰.
۱۳. سادات، محمد علی، ۱۳۸۴، **اخلاق اسلامی**، تهران: انتشارات سمت.
۱۴. سبحانی نژاد، مهدی و جعفری هرنندی، رضا، ۱۳۸۶، **بررسی و تحلیل میزان توجه به مفاهیم دفاع مقدس در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی**، مجله دانشور، سال ۱۴، شماره ۲۷، صص ۵۴-۳۹.
۱۵. سرمد، زهره و بازرگان، عباس وحجازی، الهه، ۱۳۷۹، **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**، چاپ چهارم، تهران: آگه.
۱۶. طاهری، حبیب الله، ۱۳۸۴، **درس‌هایی از اخلاق اسلامی یا آداب سیر و سلوک**، چاپ یازدهم، قم: انتشارات اسلامی.
۱۷. محمدی، میرآقای، ۱۳۸۵، **راه‌های مبارزه با نفس**، پژوهش‌های دینی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۸۲-۶۳.
۱۸. محمودی، مریم و بهرامی قصرچی، خلیل و بهرامی قصرچی، محمدصادق، ۱۳۸۹، **اسرار ریاضت در عرفان اسلامی**، فصلنامه تخصصی ادیان و عرفان، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۲۴۹-۲۳۳.
۱۹. مصباح یزدی، ۱۳۷۹، **اخلاق در قرآن**، جلد اول، چاپ هشتم.
۲۰. معین، محمد، ۱۳۶۳، **فرهنگ فارسی**، تهران: امیر کبیر.
۲۱. نراقی، ملا احمد، **معراج السعاده در اخلاق**، تهران: جاویدان.
۲۲. نصری، عبدالله، ۱۳۷۶، **سیمای انسان کامل از دیدگاه مکانب**، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.